Journal of Interpretive Theological Researches 3 (2) (2025) 16–28

Interpretive Theological Researches

https://rtmr.araku.ac.ir

A Comparative Study of the Comprehensive Rational-Theological Model for Realizing the Unity of the Islamic Ummah in the Thought of Ayatollah Mohammad Baqir al-Sadr, Allameh Mohammad Hussein Fadlallah, and Sheikh Yusuf al-Qaradawi

AmirHossein ImaniMoghaddam [a*], Hassan Afkar [b], Mahdi ImaniMoghaddam [c]

[a] University Lecturer and Professor of Advanced Seminary Studies, Qom, Iran.
moghadamt683@gmail.com
[b] PhD Student in Islamic Denominations (Specialization: Rapprochement), University of Religions and Denominations, Qom, Iran.
hasanafkar2017@gmail.com
[c] Associate Professor, Department of Islamic Studies, Literature and Human Sciences, Neyshabor, Neyshabor, Iran.
m.immanimoghadam@neyshabur.ac.ir

KEYWORDS

Shahid Muhammad Baqir al-Sadr
Allameh Mohammad Hussein Fadlallah
Sheikh Yusuf al-Qaradawi
Rapprochement between Islamic Schools of Thought
Islamic Resistance
Islamic Unity

ABSTRACT

The universal and rational nature of Islam, when confronted with the contemporary challenges facing the Islamic world, has consistently encouraged thinkers to propose a comprehensive model for the unity of the Islamic Ummah. This study—conducted using a descriptive-analytical method and documentary research—examines this issue within the intellectual frameworks of three proponents of rapprochement: Martyr Ayatollah Seyyed Mohammad Baqir al-Sadr, Allameh Mohammad Hussein Fadlallah, and Sheikh Yusuf al-Qaradawi. These figures share a common foundation: basing unity on rationality, systemic *ijtihad* (independent legal reasoning), and the necessity of resistance against global arrogance. The findings indicate that most previous approaches to rapprochement have relied on the flawed premise of reducing unity to a mere short-term political tactic. While such a perspective may appear simple and efficient at the level of description and recommendation, it fails to account for the fact that Islam possesses a rational-revelatory system grounded in fundamental beliefs. Furthermore, the convergence of the Ummah rests upon two layers: a general Quranic epistemological layer and a theological-jurisprudential layer based on five pillars—moderation, the critique of *takfir* (branding others as apostates), Islamic unity, rationalism, and the jurisprudence of *Maqasid* (objectives/purposes of Sharia). Consequently, from the perspective of civilizational system-building, this reductionist view of unity is not merely an incidental solution but constitutes a matter of *Sharia* ruling and legal deduction. Given that the ideas of Allameh Fadlallah and al-Qaradawi's jurisprudence of *Maqasid*—when analyzed through Martyr al-Sadr's method of discovery (*tariqat al-istikshaf*)—demonstrate the obligatory nature of rapprochement, it can be concluded that viewing unity as a short-term political tactic stems from a fundamental misunderstanding of the nature of religion and *ijtihad*. When comparing superficial and profound perspectives, the true nature of Islamic unity emerges as a civilizational imperative rooted in a rational, Quranic worldview—a concept that can be clearly articulated based on the ideas of these three thinkers. Thus, it can be asserted that purely political arguments for rapprochement rest on a flawed understanding of "Pure Islam," and that unity serves as the foundation for realizing a new Islamic civilization.

* Corresponding author.
E-mail address: moghadamt683@gmail.com
DOI: 10.22034/rtmr.2026.2097665.1167
Received: 2026/8/16; Received in revised form: 2026/9/30; Accepted: 2026/10/4

Journal of Interpretive Theological Researches 3 (2) (2025) 16–28

Interpretive Theological Researches

https://rtmr.araku.ac.ir

نوع مقاله : پژوهشی

بررسی تطبیقی الگوی جامع عقلی - کلامی برای تحقق وحدت امت اسلام در اندیشه آیت الله محمد باقر صدر و علامه محمد حسین فضل الله و شیخ یوسف قرضاوی

امیرحسین ایمانی مقدم[الف*]، حسن افکار [ب]، مهدی ایمانی مقدم[ج]

[الف] مدرّس دانشگاه، استاد سطوح عالی حوزه علمیه، قم، ایران. moghadamt683@gmail.com

[ب] دانشجوی دکتری رشته مذاهب اسلامی، گرایش تقریب، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران. hasanafkar2017@gmail.com

[ج] دانشیار، گروه معارف اسلامی، ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه نیشابور، نیشابور، ایران. m.immanimoghadam@neyshabur.ac.ir

واژگان کلیدی

شهید سید محمدباقر صدر
علامه محمدحسین فضل‌الله
شیخ یوسف قرضاوی
تقریب مذاهب
مقاومت اسلامی
وحدت اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۵/۲۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۷/۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۷/۱۲

چکیده

ویژگی جهانشمولی و عقلانی بودن اسلام در مقابل چالش‌های معاصر جهان اسلام، همواره اندیشمندان را به ارائه الگویی جامع برای وحدت امت اسلامی ترغیب کرده است. در این پژوهش که به روش تحلیلی-توصیفی و با مطالعات اسنادی انجام شده، این مسئله را در منظومه فکری سه اندیشمند تقریبی؛ شهید آیت الله سید محمدباقر صدر، علامه محمدحسین فضل الله و شیخ یوسف قرضاوی (که وجهِ اشتراکشان، ابتنای وحدت بر عقلانیت، اجتهاد سیستمی و ضرورت مقاومت در برابر استکبار جهانی است) بررسی کردیم. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که بیشترِ رهیافت‌های پیشین در باب تقریب، از فرض نادرستِ تقلیل وحدت به یک تاکتیک سیاسیِ مقطعی استفاده کرده اند. هرچند از این نگاه در سطح توصیف و توصیه، ساده و کارآمد می‌نماید؛ اما با توجه به اینکه اسلام دارای نظامی عقلانی - وحیانی و دارای باورهای مبنایی است و همگرایی امت بر دو لایه معرفتشناختیِ قرآنیِ عام و کلامی ـ فقهیِ مبتنی بر پنج محور (اعتدال‌گرایی، نقد تکفیر، وحدت اسلامی، عقل‌گرایی و فقه مقاصد) استوار می‌گردد، می‌توان گفت از منظر نظام‌سازی تمدنی، این تقلیل نادرست از وحدت، نه یک راه حل انضمامی، بلکه حکمی شرعی و استنباطی محسوب می‌شود. با توجه به اینکه بر اساس روشِ کشف (طریقه الاستکشاف) شهید صدر، اندیشه‌های علامه فضل الله و فقه المقاصد قرضاوی، قابلیت اثبات وجوب تقریب را دارند، این نتیجه به دست می‌آید که نگاه سیاسی-مقطعی به وحدت، ناشی از درک نادرست از ماهیت دین و اجتهاد است. در مقایسه دو نگاه سطحی و عمیق، حقیقتِ وحدت اسلامی همان ضرورت تمدنیِ برخاسته از مکتب عقلانی و قرآنی است که بر پایه اندیشه این سه اندیشمند به روشنی قابل تبیین است. بنابراین، می‌توان گفت که براهینِ صرفاً سیاسی برای تقریب، بر درک نادرست از اسلام ناب بنا شده و وحدت، زیربنای تحقق تمدن نوین اسلامی است.

* Corresponding author.
E-mail address: moghadamt683@gmail.com
DOI: 10.22034/rtmr.2026.2097665.1167
Received: 2026/8/16; Received in revised form: 2026/9/30; Accepted: 2026/10/4

مقدمه

جهان اسلام در عصر حاضر با بحران‌ها و چالش‌های پیچیده‌ای در دو عرصه درونی و بیرونی روبروست. از یک‌سو، مداخله، نفوذ سیاسی- فرهنگی و جنایات استکبار جهانی به رهبری آمریکا و اشغالگری و نسل‌کشی رژیم غاصب صهیونیستی، کیان مادی و معنوی امت اسلامی را نشانه گرفته است؛ از سوی دیگر، بروز جریان‌های تکفیری و فرقه‌گرایی متعصبانه از درون، (البته گاه با تحریک و تهییج بلکه با تأسیس استکبار جهانی) با تخریب توان مبارزه مسلمانان، زمینه را برای تثبیت سلطه دشمنان خارجی فراهم ساخته است. در مواجهه با این شرایط بحرانی، رویکردهای توصیفی و خطابی در مقوله «تقریب مذاهب» و «وحدت امت اسلام» توانایی پاسخ‌گویی کامل به مسائل مستحدثه و نظام‌سازی را ندارند و ضرورت دست‌یابی به یک «الگوی جامع، عقلانی، قرآنی و تمدنی برای وحدت امت اسلام در سایه تقریب مذاهب» که مبتنی بر اجتهاد سیستمی و عقلانیت اصیل باشد، بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. تقریب مذاهب اسلامی به معنای تلاش مسلمین برای نزدیک شدن به فهم مشترک از دین اسلام و احترام متقابل به اجتهادهای فقهی و کلامی مذاهب دیگر، و همکاری در جهت حفظ اسلام بدون دست‌کشیدن از اصول مذهبی خود است. این به معنای استحاله مذهبی و نادیده‌گرفتن حقایق تاریخی صدر اسلام نیست؛ بلکه راهبردی عقلانی و قرآنی بر پایه «اخوت ایمانی» و «هم‌زیستی مسالمت‌آمیز» است :« وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل‌عمران: ۱۰۳) و همچنین:« إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات: ۱۰) و در سیره امامان معصوم (علیهم‌السلام) تقیه مداراتی در مشارکت در مناسک حج و نماز و ... نمونه های عملی این تقریب در منابع اصلی اسلام است؛ از جمله توصیه امام صادق (ع) که فرمود: « صَلُّوا فِی عشائِرِهم و اشْهَدُوا جَنائِزَهم » (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۴۰۱). اندیشمندان بیدار معاصر در جریان‌های مختلف حوزوی و علمی جهان اسلام، کوشیده‌اند با عبور از ظاهرگرایی و تعصبات فرعی، شالوده‌ای استوار برای همگرایی و تقریب مذاهب اسلامی پایه‌ریزی کنند. و پژوهشهای زیادی در تبیین و چرایی و ابعاد نفس تقریب و تلاش های عملی در این راستا، انجام پذیرفته ؛ پژوهشهایی در بررسی ادله نقلی و یا مبانی نظری و معرفتی آن و مجلات تخصصی چون مجله «مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی» و «پژوهشنامه مذاهب اسلامی »به چاپ و نشر برخی از این پژوهش ها اقدام نموده اند. در این میان، نقش آیه الله شهید محمد باقر صدر و علامه فضل الله از علمای شیعه (فعال در تاسیس حزب الدعوه الاسلامیه) و شیخ یوسف قرضاوی از علمای بنام عامه، در تبیین ابعاد و مبانی این وحدت بسیار حائز اهمیت است؛ چراکه منظومه معرفتی و فلسفی شهید آیت‌الله سید محمدباقر صدر که از دغدغه مندان وحدت امت اسلام و نفی طائفه گری بود، در برهه‌ای که رژیم بعثی و مستکبران غربی می‌کوشیدند با ایجاد شکاف‌های مذهبی میان شیعه و سنی، حرکت انقلابی مردم عراق و جهان اسلام را خاموش کنند، صریح‌ترین و عمیق‌ترین فرازها را در نفی طائفه‌گری و وجوب برادری اسلامی مطرح ساخت.وی همواره بر ضرورت عقلی و شرعی وحدت امت اسلام تاکید ورزید: (صدر، ۱۴۰۵، ص ۳۸۴؛ مجله الاضواء، ۱۳۴۴، سال ۵، ش ۷-۶) و با تدوین نظریه « المذهب الذاتی» در معرفت شناسی و کاربست آن در سایر علوم انسانی و اخذ گزاره های تجویزی از آن،(صدر، الاسلام یقود الحیاة، ۱۳۹۹، ص ۳۸۴).

ظالم و اشغالگر سعی در ایجادیک نظام و مکتب فکری منسجم داشت. وی در عمل در سخنرانی‌های خود با تعبیر «یا أبناء علی ویا أبناء عمر» (ای فرزندان علی و ای فرزندان عمر...) این وحدت را رمز پیروزی معرفی کرد؛ ایشان و علامه محمدحسین فضل‌الله و شیخ یوسف قرضاوی سه شخصیت تقریبی موثر در بسیاری از کشورهای جهان اسلام، علی‌رغم تفاوت‌های مذهبی، در ۵ محور کلامی (اعتدال‌گرایی، نقد تکفیر، وحدت اسلامی به عنوان فریضه شرعی، عقل‌گرایی و توجه به مقاصد شریعت) به اشتراکات محتوایی دست یافتند و علی‌رغم تفاوت در روش‌شناسی در فهم متون دینی و نحوه نگرش در برخی موضوعات کلامی همچون مهدویت و خلافت و امامت و الگوی حکمرانی و ولایت فقیه، اما هر سه در ضرورت عقل‌گرایی و اجتهاد سیستمی و نقد و مبارزه با جریان تکفیر و ضرورت وحدت امت اسلام و مبارزه با استکبار جهانی هم‌افق هستند.

هرچند پژوهش‌های فراوانی یا در اصل مسئله تقریب و یا مختصات اندیشه این سه شخصیت به نگارش درآمده، از جمله مقاله «پیشگامان تقریب: شهید محمدباقر صدر» (ابوالحسنی، ۱۳۸۵، ش ۶) و یا مقاله «علامه محمدحسین فضل‌الله و اندیشه هم‌زیستی اجتماعی در تفسیر قرآن» (محصص، قاضی‌زاده و ایازی، ۱۳۹۴، ش ۲۵) و یا مقالاتی که به نقد قرضاوی در تأثیرپذیری او از خوانش و تبلیغ استکبار بعد از بحران سوریه و بیداری اسلامی در کشورهای مسلمان پرداخته که به نحوی عملاً از خودگفته اعتدال خارج و بر ضرورت جنگ و جهاد مسلحین علیه جریان مقاومت فتوا داده است، همچون مقاله «بررسی انتقادی اندیشه سیاسی اجتماعی یوسف القرضاوی؛ گسست بین نظریه و عمل» (مرندی، ۱۳۹۶، ش ۵) و مقاله «مبانی اندیشه و کنش سیاسی یوسف القرضاوی در آینهٔ تحولات سوریه» (محمودی‌کیا، ۱۴۰۲، دوره ۱۳، ش ۴)، اما به نظر با دیدگاه آنها به نحو دقیق و جامع و درست برخورد نشده است. مثلا اندیشه‌ی قرضاوی بر پایه اصول کلامی و فقهی، تقریبی است هرچند در سال‌های اخیر گاه در تطبیق و مصداق‌یابی دچار اشتباه محاسباتی شده است؛ او در اثر خود به تبیین این اصول و مبانی می‌پردازد (قرضاوی، مبادئ فی الحوار والتقریب بین المذاهب والفرق الإسلامیة). اما مسئله اصلی این پژوهش، اولاً بررسی تطبیقی مبانی تقریبی این سه اندیشمند مؤثر در تحولات دنیای اسلام خصوصاً در کشور عراق و لبنان و قطر و سوریه و مصر است و ثانیاً گذار از تقریب‌های سطحی و تاکتیکی و دستیابی به یک نظام‌سازی سیستمی و مقاوتی بر پایه هم‌افزایی آرای این سه متفکر نواندیش است. سوال کلیدی پژوهش آن است که چگونه می‌توان از پیوند معرفت‌شناسی و سنن تاریخی شهید صدر با اشتراکات کلامی علامه فضل‌الله و شیخ قرضاوی، چارچوبی کارآمد برای تحقق تمدن نوین اسلامی و ایستادگی در برابر جبهه استکبار استخراج کرد. پژوهش حاضر با روش تحلیلی-توصیفی و گردآوری اسنادی، درصدد تبیین این الگوی دو لایه است.

۲- مبانی اندیشه تقریبی شهید صدر

شهید آیت‌الله سید محمدباقر صدر (۱۳۱۳–۱۳۵۹ ش / ۱۹۳۵–۱۹۸۰ م) از برجسته‌ترین مراجع، متفکران و فیلسوفان نواندیش مکتب شیعه امامیه در قرن بیستم بود که با تألیف آثار بنیادینی چون فلسفتنا و اقتصادنا، نظام معرفتی و اقتصادی جامع اسلام را در برابر مکاتب غربی و شرقی تدوین کرد. او دارای نوآوری‌های بی‌بدیل در فقه، اصول، تفسیر موضوعی و کلام نوین، بود و نقش مهمی در ساختارسازی اندیشه اسلامی و هدایت جنبش‌های اسلامی ایفا نمود. شهید صدر به دلیل مبارزات بی‌امان علیه استبداد بعثی، افشای جنایات استکبار جهانی و حمایت قاطع از آرمان فلسطین و آزادی قدس، همراه با خواهر مجاهدش بنت‌الهدا به دست رژیم صدام به شهادت رسید لذا ایشان عملا در کنار نوآوری‌های چشمگیر اصولی و فقهی، پرچمدار جهاد سیاسی و همبستگی امت اسلامی و وحدت شیعه و سنی بود .وی وحدت را روح و جان دین می‌دانست و نه یک روش یا توصیه اخلاقی یا سیاسی:

«من منطلق مسئولیتی الشرعیة، وقفْتُ وجودی بالمسافات المتساویة للشیعی والسنی، وللعربی والکردی... فأنا معک یا أخی وابنی السنی بقدر ما أنا معک یا أخی وابنی الشیعی»: من از پایگاه مسئولیت شرعی‌ام، وجود خود را به طور یکسان وقف شیعی و سنی، و عرب و کرد کرده‌ام... پس ای برادر و فرزند سنی‌مذهبم! من به همان اندازه با توام که با برادر و فرزند شیعی‌ام هستم. (صدر، به‌نقل از المجمع العالمی للتقریب بین المذاهب الإسلامیة، بی‌تا: مدخل ۷۰۲۳، بخش ۱۳۵) ایشان این مشعل عظیم را برای رهایی از ذلت و رنج به دوش می‌کشید و راه تحقق «امت وسط» و الگو شدن برای جهانیان را وحدت امت اسلام در سایه مسئولیت‌پذیری اجتماعی مسلمانان معرفی می‌کند (صدر، ۱۳۹۹، ص ۲۱۶). اصول اندیشه شهید صدر موثر در اندیشه تقریبی ایشان، که می‌توان از روش علمی او در استنتاج مکتب اقتصادی و فلسفی اسلام بدست آورد، عبارتند از: الف) اصل توحید و ولایت تشریعی الهی که از آن ضرورت حکومت واحد جهانی اسلام استنتاج می‌شود (الحاکمیه التشریعیه لله) (صدر، ۱۳۹۹، صص ۱۵-۲۲)؛ ب) اصل خلافت انسان و امانت بودن هر گونه حوزه تصرف مادی و معنوی انسان در راستای تحکیم آن حاکمیت اسلامی (صدر، ۱۳۹۹، صص ۱۳۵-۱۴۵ و ۱۷۱-۱۷۲)؛ ج) نظریه «المذهب الذاتی فی المعرفه» (مذهب ذاتی در

معرفت)، و عقلانیت کلامی. شهید صدر با طرح نظریه «المذهب الذاتی» (مذهب ذاتی در معرفت)، منطق معرفتی نوینی در مقابل تجربه‌گرایی و نیز نص‌گرایی ارائه داد. اساس این نظریه، کسب یقین از راه سیر از مرحله موضوعی به مرحله ذاتی بر اساس حساب احتمالات است که برای نقد مولفه‌های ایدئولوژی‌های مادی‌گرای غرب و شرق غیر توحیدی و تجربه بنیان و به‌صورت تلویحی نیز نقد اندیشه‌های افراطی و متحجرانه و تکفیری و عقل‌ستیز کارکرد دارد و می‌تواند تلویحاً بنیان معرفتی برای تقریب باشد (صدر، ۱۴۰۵، صص ۱۳۳-۱۷۴ و ۳۵۱-۳۸۱؛ صدر، ۱۳۵۹، صص ۴۰-۶۹). به عبارت دیگر، شهید صدر در چارچوب این نظریه کوشید مسئله اعتبار معرفت استقرایی را با تکیه بر تراکم قرائن و حساب احتمالات تبیین کند. در این نظریه، فرایند معرفت از مرحله‌ای آغاز می‌شود که در آن شواهد و قرائن، ارزش احتمالی یک تبیین را افزایش می‌دهند و سپس، در صورت تحقق شرایط لازم، این تراکم احتمالی در مرحله ذاتی به اذعان و یقین عقلایی می‌انجامد. مقصود از «ذاتی» در اینجا، ذهن‌گرایی فردی یا نسبی‌گرایی معرفتی نیست؛ بلکه توضیح سازوکار عمومی ذهن انسان در گذار از احتمال بسیار قوی به یقین است، آن هم در صورتی که این گذار بر قرائن عینی و قابل ارزیابی استوار باشد.

اهمیت این نظریه برای عقلانیت کلامی در آن است که میان یقین مستند به شواهد و اطمینان روان‌شناختیِ ناشی از تعصب، تلقین یا عادت تمایز می‌گذارد. بر این اساس، گزاره‌های کلامی و تاریخی باید نه بر پایه شدت اطمینان گوینده، بلکه بر اساس نوع ادله، میزان استقلال قرائن، قوت دلالت و امکان پاسخ به تبیین‌های رقیب ارزیابی شوند. چنین رویکردی می‌تواند در نقد جمود، نص‌گرایی افراطی، عقل‌ستیزی و تکفیر مؤثر باشد؛ زیرا مانع آن می‌شود که برداشت‌های ظنی یا اختلافی، بدون طی مراحل استدلالی لازم، به یقین قطعی و مبنای داوری درباره ایمان دیگران تبدیل شوند.

از منظر تقریب مذاهب، این نظریه به‌صورت مستقیم نظریه‌ای درباره وحدت اسلامی یا وجوب شرعی تقریب نیست؛ اما می‌تواند مبنایی روش‌شناختی برای گفت‌وگوی عقلانی میان مسلمانان فراهم آورد. بر پایه این چارچوب، گفت‌وگوی تقریبی باید با تعیین دقیق مسئله، تفکیک مقدمات مشترک از مقدمات اختصاصی، ارزیابی مستقل ادله، درجه‌بندی اختلاف‌ها و استخراج زمینه‌های مشترک همکاری انجام شود. بنابراین، تقریبی‌بودن به معنای یکسان‌انگاری همه دیدگاه‌ها یا کنارگذاشتن اصول اعتقادی نیست؛ بلکه به معنای تنظیم اختلاف‌ها بر اساس دلیل، رعایت انصاف معرفتی، پرهیز از تکفیر و امکان همکاری در عرصه‌های مشترک دینی، اجتماعی و تمدنی است. د) سنن تاریخی قرآن و حتمیت افول ظالمان در سایه وحدت و بصیرت، شهید صدر تبیین می‌کند که جامعه و تاریخ تابع سنت‌های قطعی الهی هستند: «فَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا» (فاطر: ۴۳) و از جمله این سنت‌ها وحدت در سایه توحید است. ایشان در این راستا به آیاتی چون ۱۰۳ از سوره آل عمران و ۴۶ از سوره انفال و نیز روایاتی چون این روایت از حضرت علی (ع): «وَعَلَيْكُمْ بِالتَّوَاصُلِ وَالتَّبَاذُلِ وَإِيَّاكُمْ وَالتَّدَابُرَ وَالتَّقَاطُعَ» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۵، ص ۳۴۴) استناد می‌نمایند (صدر، ۱۴۲۱، درس ۱-۴).

در جمع‌بندی آرای شهید صدر با اجتهاد سیستمی و منظومه‌ای و به روش کشف (طریقه الاستکشاف)، می‌توان استنباط ضرورت وحدت امت اسلام را به عنوان «نشانه و روبنا» لحاظ نمود، چراکه در چارچوب اجتهاد سیستمی و منظومه‌ای شهید صدر، وحدت امت اسلامی را می‌توان به‌مثابه نمود اجتماعی و تمدنیِ مبانی توحیدی، قرآنی، اخلاقی و عدالت‌محور اسلام تحلیل کرد. بر پایه روش کشف، این نتیجه از مطالعه مجموعه مبانی و گزاره‌های مرتبط و کشف نسبت میان آن‌ها به‌دست می‌آید، نه از استناد به یک دلیل منفرد. ازاین‌رو، وحدت در این سطح، ضرورتی دینی، اجتماعی و تمدنی برای حفظ کیان امت و جلوگیری از تضعیف آن در برابر سلطه و نزاع داخلی است؛ بااین‌حال، این استنباط تحلیلی نباید با فتوای وجوب فقهی عام وحدت یا تقریب خلط شود، زیرا اثبات چنین حکمی نیازمند بررسی مستقل ادله فقهی و اصولی است. همچنین با سیر معکوس استقرایی، «مبانی مکتبی و اصول زیربنایی» حاکم بر آن‌ها را استنباط نمود و با عبور از نگاه گسسته و فتواهای جزیره‌ای اقتصادی و سیاسی از جمله مسئله وحدت، به سمت استخراج «مکتب و نظام جامع دینی» اهتمام داشت. بنابراین با اجتهاد سیستمی، وحدت نه یک مصلحت‌اندیشی موقت، بلکه در حقیقت از لوازم بروز اجتماعی و سیاسی توحیدی (رجوع کثرات به

وحدت در تکوین و تشریع) و بخشی از شاکله کلی دین برای حاکمیت قسط و عدل در سایه حکومت جهانی اسلام است؛ و البته زمان و کیفیت تحقق آن بستگی به میزان وحدت و بصیرت امت اسلام دارد.

۳- اصول کلامی و قرآنی مشترک بین علامه فضل‌الله و شیخ قرضاوی مرتبط با اندیشه تقریب

علامه محمدحسین فضل‌الله (۱۳۱۴–۱۳۸۹ هـ‌ش) متولد نجف و مدفون در بیروت، یکی از برجسته‌ترین علمای شیعه معاصر، فقیه و مفسر لبنانی بود. وی با تفسیر نوگرایانه قرآن و ضمن توصیف تفکر و شیوه عقلانی مبارزه انبیاء به‌ویژه حضرت ابراهیم (ع)، بر عقل‌گرایی، اعتدال و گفت‌وگوی بین‌مذهبی تأکید می‌ورزد و عقلانیت را اصلی‌ترین ابزار برای مبارزه با خرافات، خودباختگی فرهنگی و سلطه فرهنگی استکبار جهانی معرفی می‌کند (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۹، ص ۱۲۰). او عملاً با تأسیس نهادهای خیریه آموزشی برای عموم مردم اعم از شیعه، سنی و مسیحی در لبنان، نقش مهمی در تقویت وحدت اسلامی ایفا کرد. دیدگاه‌های او در مسائل کلامی مانند توحید، نبوت و پاسخ به شبهات معاصر و همچنین فتاوای نوآورانه‌اش در فقه، او را به چهره‌ای تأثیرگذار در جهان اسلام تبدیل کرد. فضل‌الله بر ضرورت انطباق دین با نیازهای زمان تأکید داشت و در آثارش مانند «حوارات فی الفکر والاجتماع والسیاسة» و «تأملات فی الفکر السیاسی الإسلامی» به ترویج تقریب مذاهب پرداخت (فضل‌الله، ۱۳۷۹، صص ۱۲–۱۵).

شیخ یوسف قرضاوی (۱۳۰۵–۱۴۰۱ هـ‌ش) مؤسس اتحادیه جهانی علمای مسلمان و از برجسته‌ترین علمای سنی معاصر، فقیه و متفکر اسلامی مصری-قطری و پدر معنوی اخوان‌المسلمین مصر و تحصیل‌کرده دانشگاه الازهر بود و به دلیل نقشش در حمایت از مردم فلسطین و مقاومت با فتوای مشروعیت عملیات استشهادی علیه صهیونیست‌ها و نیز ترویج فقه معاصر و آسان، و همچنین تألیفات گسترده‌اش در زمینه کلام و فقه اسلامی، شهرت جهانی یافت. ایشان بر اهمیت کشف مقاصد شریعت برای استنباط و عقل‌گرایی و دوری از افراط و تفریط در فهم دین تأکید و با ارائه نظریه «مدرسه الوسطیه» مکتب اعتدال بین ظاهرگرایی و تجددگرایی را ترویج نمود (قرضاوی، ۱۴۳۱، صص ۱۵–۳۲؛ قرضاوی، ۱۴۲۷، صص ۲۰–۴۱). او از حامیان وحدت اسلامی و گفت‌وگوی بین‌مذهبی بود و با ارائه اصول دهگانه برای گفتگوی منتهی به تقریب و ارکان: توحید و کتاب و قبله و بسیاری از مناسک دیگر، به ضرورت همبستگی میان شیعه و سنی پرداخت (قرضاوی، ۱۴۲۵، صص ۶۸–۷۰) و بازخوانی منصفانه تاریخ صدر اسلام را عامل مهم برای وحدت امت اسلام معرفی کرد (قرضاوی، ۱۴۲۶، صص ۶۳–۹۰) و با تأسیس اتحادیه جهانی علمای مسلمان، نقش مهمی در پاسخ به چالش‌های معاصر، مانند سکولاریسم و افراط‌گرایی، ایفا کرد (قرضاوی، ۱۴۲۲، صص ۱۰–۲۰).

۴- لایه های فکری نظام سازی تمدنی حاصل از تقریب

اصول چهارگانه اندیشه شهید صدر (عقل‌گرایی معرفتی، اعتدال اجتهادی، پاسخگویی سیستمی به شبهات و تبیین سنن تاریخی - قرآنی وحدت) را می‌توان بعنوان مبانی نظری دانست که در آرای فقهی و کلامی علامه فضل‌الله و شیخ قرضاوی نیز پرتکرار است؛ بنابراین اندیشه کلامی فضل الله و قرضاوی در لایه دوم، تکیه‌گاهی فلسفی و تاریخی داشته و الگوی ارائه‌شده را به یک «منظومه جامع تمدنی و مقاوتی» تبدیل می‌سازد . این دو متفکر برجسته، با وجود تفاوت‌های مذهبی (شیعه و سنی)، از طریق رویکردهای اجتهادی و اصلاح‌گرایانه خود، به تبیین گفتمانی همگرا و پویا در جهان اسلام پرداختند که در ادامه، این محورهای مشترک کلامی تحلیل می‌شود. بنابراین الحاق آراء شهید صدر به شیوه منطق استکشاف ، کارآمدی الگوی تقریب را از یک توافق مذهبی ساده به یک «نظام‌سازی تمدنی» ارتقا می‌دهد . این رویکرد نشان می‌دهد که تاکید بر عقل‌گرایی اصیل در عین توجه به کتاب و سنت و نیز استنتاج سنن قرآنی، تنها راه برون‌رفت از فتنه‌های تکفیری و تنها ابزار واقعی برای ایستادگی در برابر سلطه‌گری آمریکا و رژیم غاصب صهیونیستی است.

اصول کلامی مشترک منتج به اندیشه تقریبی شهید صدر و علامه فضل الله و شیخ قرضاوی:

اعتدال‌گرایی

نقد و رد کلامی تکفیر

عقل‌گرایی

فقه المقاصد و توجه به غایات قطعی احکام

۵- نقش اعتدال بر تقریب مذاهب و وحدت امت اسلام

تعادل و میانه‌روی، حد جامع افکار و عقاید متضاد دارای افراط و تفریط و مؤلفه اصلی تقریب و یکی از پایه‌های اصلی اندیشه شهید آیت‌الله سید محمدباقر صدر، علامه محمدحسین فضل‌الله و شیخ یوسف قرضاوی است که تأکید بر آن در آثار و فتاوای آن‌ها پرتکرار است.

شهید صدر اعتدال را از ارکان اندیشه نظام‌سازی می‌داند؛ ایشان اعتدال در معرفت‌شناسی را نافی راسیونالیسم و عقل‌گرایی افراطی از سویی و از سوی دیگر نافی آمپریسم و تجربه‌گرایی می‌داند (صدر، ۱۳۵۹، صص ۴۳–۸۲) و اعتدال در اقتصاد را نافی اقتصاد کاپیتالیستی از سویی و اقتصاد کمونیستی و سوسیالیستی از سوی دیگر می‌داند (صدر، ۱۴۰۸، صص ۷۸۳–۷۸۹) و «امت وسط» قرآنی را جامعه‌ای معتدل و به‌دور از افراط و تفریط دانسته که در ظواهر دین نافی هم تحجر است و هم اباحه‌گری و تبیین می‌کند که با جمود بر ظاهر متون که سرچشمه جریان‌های تکفیری است، و همچنین با التقاط فکری که منجر به خودباختگی در برابر فرهنگ غرب می‌شود، به شدت مخالف است (صدر، ۱۴۲۶، ج ۱۹، صص ۱۳۴–۱۳۶ و ۱۶۰–۱۶۱). از منظر وی، اعتدال برخاسته از منطق اهل‌بیت (ع) است که دین را جامع و کارآمد برای تمام عصرها می‌داند و با مهار رفتارهای افراطی، انسجام درونی امت اسلامی را حفظ می‌کند.

علامه فضل‌الله نیز در آثار خود به‌ویژه در کتب تفسیری با رویکردی اجتماعی و عقلانی، بر لزوم تعادل در فهم و اجرای احکام دینی همواره تأکید می‌کرد. او معتقد بود که اسلام به عنوان دینی جامع، باید از افراط در تعصبات مذهبی و تفریط در بی‌توجهی به اصول دینی پرهیز کند. فضل‌الله در تحلیل مسائل اجتماعی، مانند حقوق زنان و تعاملات میان‌فرهنگی، استدلال کرد که فهم دین باید با واقعیت‌های زمان هماهنگ باشد تا از تبدیل شدن آن به ابزاری برای تفرقه یا خشونت و تکفیر و تفسیق و یا اباحه‌گری جلوگیری شود و همچنین بر ضرورت اجتناب از تعصبات فرقه‌ای تأکید کرد و خواستار گفت‌وگویی عقلانی میان مذاهب اسلامی بود (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۱، صص ۳۵–۳۷؛ فضل‌الله، ۱۳۷۹، ج ۲، صص ۲۰۰–۲۰۵).

شیخ یوسف قرضاوی نیز در آثار خود به نقد افراط‌گرایی مذهبی و جمود فکری پرداخت. او استدلال می‌کرد که اسلام معتدل، راه میانه‌ای است که از یک سو در برابر انکار دین (جحود) و از سوی دیگر در برابر افراط‌گرایی (تطرف) قرار می‌گیرد. قرضاوی با انتقاد از جریان‌های سلفی تکفیری، مانند وهابیت، و گروه‌های افراطی مانند القاعده، بر ضرورت بازگشت به فهمی عقلانی و متعادل از اسلام تأکید کرد و همچنین در فتاوای خود، مانند مسائل مربوط به معاملات مالی و روابط اجتماعی، بر انعطاف‌پذیری فقهی و پرهیز از سخت‌گیری غیرضروری تأکید نمود (قرضاوی، ۱۴۰۲، صص ۴۵–۵۰؛ قرضاوی، ۱۳۸۱، صص ۶۲–۶۸).

بنابراین این سه اندیشمند با تأکید بر اعتدال، به دنبال ارائه تصویری از اسلام بودند که نه‌تنها با نیازهای انسانی هماهنگ باشد، بلکه بتواند در برابر چالش‌های فرهنگی و فکری جهان مدرن، مانند گسترش سکولاریسم و لیبرالیسم، و تجاوزات سلطه‌جویانه آمریکا و رژیم غاصب صهیونیستی مقاوم و پاسخ‌گو باشد. این رویکرد مشترک، از پایه‌های نظری تقریب است که مبتنی بر کنار گذاشتن افراط و تفریط، تعادل و میانه‌روی، حد جامع افکار و عقاید متضاد دارای افراط و تفریط و مؤلفه اصلی تقریب و یکی از

پایه‌های اصلی اندیشه شهید صدر، علامه فضل‌الله و شیخ قرضاوی است که تأکید بر آن در آثار و فتاوای آن‌ها بسیار پررنگ است. شهید صدر اعتدال را از ارکان اندیشه نظام‌سازی می‌داند؛ ایشان اعتدال در معرفت‌شناسی را نافی راسیونالیسم و عقل‌گرایی افراطی از سویی و از سوی دیگر نافی آمپریسم و تجربه‌گرایی می‌داند (صدر، ۱۳۵۹، صص ۴۳–۸۲) و اعتدال در اقتصاد را نافی اقتصاد کاپیتالیستی از سویی و اقتصاد کمونیستی و سوسیالیستی از سوی دیگر می‌داند (صدر، ۱۴۰۸، صص ۷۸۳–۷۸۹) و امت وسط قرآنی را جامعه معتدل و بدور از افراط و تفریط دانسته که در ظواهر دین نافی هم تحجر است و هم اباحه‌گری و تبیین می‌کند که با جمود بر ظاهر متون که سرچشمه جریان‌های تکفیری است، و همچنین با التقاط فکری که منجر به خودباختگی در برابر فرهنگ غرب می‌شود، به شدت مخالف است (صدر، ۱۴۳۲، ج ۱۹، صص ۱۳۴–۱۳۶ و ۱۶۰–۱۶۱). از منظر وی، اعتدال برخاسته از منطق اهل‌بیت (ع) است که دین را جامع و کارآمد برای تمام عصرها می‌داند و با مهار رفتارهای افراطی، انسجام درونی امت اسلامی را حفظ می‌کند. علامه فضل‌الله نیز در آثار خود به‌ویژه در کتب تفسیری با رویکردی اجتماعی و عقلانی، بر لزوم تعادل در فهم و اجرای احکام دینی همواره تأکید می‌کرد. او معتقد بود که اسلام به عنوان دینی جامع، باید از افراط در تعصبات مذهبی و تفریط در بی‌توجهی به اصول دینی پرهیز کند. فضل‌الله در تحلیل مسائل اجتماعی، مانند حقوق زنان و تعاملات میان‌فرهنگی، استدلال کرد که فهم دین باید با واقعیت‌های زمان هماهنگ باشد تا از تبدیل شدن آن به ابزاری برای تفرقه یا خشونت و تکفیر و تفسیق و یا اباحه‌گری جلوگیری شود و همچنین بر ضرورت اجتناب از تعصبات فرقه‌ای تأکید کرد و خواستار گفت‌وگویی عقلانی میان مذاهب اسلامی بود (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۱، صص ۳۵–۳۷؛ فضل‌الله، ۱۳۷۹، ج ۲، صص ۲۰۰–۲۰۵). شیخ یوسف قرضاوی نیز در آثار خود به نقد افراط‌گرایی مذهبی و جمود فکری پرداخت. او استدلال می‌کرد که اسلام معتدل، راه میانه‌ای است که از یک سو در برابر انکار دین (جحود) و از سوی دیگر در برابر افراط‌گرایی (تطرف) قرار می‌گیرد. قرضاوی با انتقاد از جریان‌های سلفی تکفیری، مانند وهابیت، و گروه‌های افراطی مانند القاعده، بر ضرورت بازگشت به فهمی عقلانی و متعادل از اسلام تأکید کرد و همچنین در فتاوای خود، مانند مسائل مربوط به معاملات مالی و روابط اجتماعی، بر انعطاف‌پذیری فقهی و پرهیز از سخت‌گیری غیرضروری تأکید کرد (قرضاوی، ۱۴۰۲، صص ۴۵–۵۰؛ قرضاوی، ۱۳۸۱، صص ۶۲–۶۸). بنابراین این سه اندیشمند با تأکید بر اعتدال، به دنبال ارائه تصویری از اسلام بودند که نه‌تنها با نیازهای انسانی هماهنگ باشد، بلکه بتواند در برابر چالش‌های فرهنگی و فکری جهان مدرن، مانند گسترش سکولاریسم و لیبرالیسم، مقاوم و پاسخ‌گو باشد. این رویکرد مشترک، از پایه‌های نظری تقریب که مبتنی بر کنارگذاشتن افراط و تفریط و نقدپذیری و گشودگی در فهم و پاسخ به نظریات معارض است، می‌باشد.

۶- نقش عقل‌گرایی در تثبیت و ترویج اندیشه تقریب و وحدت امت اسلام

عقل به تعبیر منطقی فصل و ویژگی ذاتی انسان و ممیز او از حیوان است و بهترین راه برای ترک مخاصمات و جدل‌ها، رجوع به حکم عقل قطعی و برهانی است. عقل‌گرایی به معنای صحیح و با رعایت حد و توان عقل در کشف حقایق نافی خرافه و تعصب بوده، لذا یکی از ارکان اندیشه تقریبی شهید صدر، فضل‌الله و قرضاوی بود. شهید آیت‌الله سید محمدباقر صدر با بازتعریف منطق استقرا و تدوین نظریه «المذهب الذاتی»، عقل‌گرایی اسلامی را از انفعال نجات داد و آن را به ابزاری تهاجمی در برابر شبهات الحادی، ماتریالیسم دیالکتیک و لیبرالیسم غربی مبدل ساخت. ایشان اثبات کرد که عقلانیت توحیدی، نه تنها توانایی اثبات مبانی دینی را دارد، بلکه می‌تواند کارآمدترین نظام اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی برای اداره جامعه را پیش‌روی بشر قرار دهد. این لایه عقلانی به عنوان زیربنای معرفتی عمل می‌کند که راه را بر شبهات سکولاریسم و پلورالیسم معرفتی و نیز افراط و تفریط‌های مذهبی می‌بندد (صدر، ۱۴۰۵، صص ۱۳۳–۱۵۸؛ صدر، ۱۳۵۹، صص ۴۰–۶۸).

علامه فضل‌الله نیز در تفسیر «من وحی القرآن» با بهره‌گیری از استدلال‌های عقلی، به تبیین مسائل کلامی مانند توحید، نبوت، و معاد پرداخت. او معتقد بود که عقل، به عنوان هدیه‌ای الهی، ابزار اصلی فهم متون دینی و پاسخ به شبهات است. برای مثال، در تحلیل مفهوم توحید، فضل‌الله با استدلال‌های فلسفی و عقلی، بر یکتاپرستی به عنوان پایه‌ای برای وحدت امت اسلامی

تأکید کرد. او همچنین در پاسخ به پرسش‌های معاصر، مانند رابطه دین و علم، از روش‌های عقلی برای اثبات سازگاری اسلام با پیشرفت‌های علمی استفاده کرد (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۴۷ و ج ۲، صص ۲۰–۲۵ و ۵۰).

قرضاوی نیز بر نقش عقل در فهم قرآن و سنت تأکید کرد و استدلال نمود که عقل و نقل مکمل یکدیگرند. او معتقد بود که فهم صحیح متون دینی بدون بهره‌گیری از عقل ممکن نیست و عقل می‌تواند در حل مسائل مستحدثه، مانند فناوری و جهانی‌شدن، نقش کلیدی ایفا کند. قرضاوی در تحلیل مسائل کلامی، مانند مفهوم عدل الهی، از استدلال‌های عقلی برای رد شبهات ملحدان و سکولارها استفاده کرد و بر ضرورت بازسازی گفتمان کلامی اسلام که نافی تحجر و تکفیر است، بر پایه عقل تأکید داشت (قرضاوی، ۱۴۲۰، صص ۲۳–۲۵؛ قرضاوی، ۱۳۹۹، ص ۵۰).

این تأکید مشترک بر عقل‌گرایی، شهید صدر، فضل‌الله و قرضاوی را قادر ساخت تا گفتمانی پویا و متناسب با نیازهای فکری جهان مدرن ارائه دهند و از این طریق، به شبهات معاصر پاسخ‌گویی کرده و راه را برای اقبال به وحدت امت اسلامی، تقریب مذاهب و ایستادگی در برابر جبهه استکبار جهانی هموار کنند.

پاسخگویی به شبهات معاصر مکاتب غیر توحیدی و ضد عقلانی و یا افراطی و تفریطی

لازمه عقل‌گرایی، پرهیز از دگم‌اندیشی و گشودگی در شنیدن و فهم افکار معارض هرچند تکفیری و پاسخ به شبهات ایشان است و اختلافات مذهبی محصول پرهیز از گفتگو و انتقادپذیری است. پیامبر گرامی اسلام (ص) جزم‌اندیشی را نشانه جهل دانسته و می‌فرمایند: «مَنْ قَالَ أَنَا عَالِمٌ فَهُوَ جَاهِلٌ»؛ هر کس ادعای داشتن علم {قطعی و بدون پذیرش نقد و سؤال} کند، پس او جاهل است (شهید ثانی، ۱۴۱۴، ص ۳۶) و نیز امام حسین (ع) این خصلت انتقادپذیری را نشانه عالم می‌دانند و می‌فرمایند: «مِنْ دَلَائِلِ الْعَالِمِ انْتِقَادُهُ لِحَدِيثِهِ»؛ از نشانه‌های عالم، نقدپذیری اوست (حرانی، ۱۳۹۴، ص ۲۸۴).

بر این اساس، شهید صدر، علامه فضل‌الله و شیخ قرضاوی در برابر شبهات معاصر حاصل از مؤلفه‌های مدرنیسم مانند لیبرالیسم، سکولاریسم، پلورالیسم دینی و نیز شبهات سلفی‌ها و تکفیری‌ها کمر همت به پاسخ بستند. علامه فضل‌الله به نقد سکولاریسم پرداخت و استدلال کرد که جدایی دین از سیاست، برخلاف ماهیت جامع اسلام است. او با استناد به آیات قرآن و استدلال‌های عقلی، نشان داد که دین می‌تواند نقش محوری در اداره جامعه ایفا کند، به شرطی که با نیازهای زمان هماهنگ شود و همچنین در پاسخ به شبهات پلورالیسم دینی، بر انحصار حقیقت در اسلام تأکید کرد؛ اما از گفت‌وگوی بین‌ادیان و مذاهب به عنوان ابزاری برای همزیستی مسالمت‌آمیز حمایت کرد (فضل‌الله، ۱۳۷۹، صص ۱۶۸ و ۳۴۴).

قرضاوی نیز در آثارش با گرایش به عقل‌گرایی دینی، به شبهات مربوط به پلورالیسم دینی و تضاد علم و دین پاسخ داد. او با استدلال‌های عقلی و نقلی نشان داد که اسلام با علم مدرن سازگار است و پیشرفت‌های علمی را تشویق می‌کند. برای مثال، او در تحلیل مسائل زیست‌فناوری، مانند شبیه‌سازی و مهندسی ژنتیک، بر ضرورت تطبیق فقه با پیشرفت‌های علمی تأکید کرد (قرضاوی، ۱۴۳۰، ج ۱، صص ۴۵–۵۰). همچنین در نفی جدایی دین از سیاست استدلال می‌کند که نظام اسلامی مبتنی بر شریعت، توانایی حل مشکلات اجتماعی و سیاسی را دارد (قرضاوی، ۱۴۲۸، ص ۷۰).

شهید صدر هم با مکاتب سوسیالیستی و هم لیبرالیستی مقابله کرده، به رفع شبهات ایشان می‌پردازد و هم اندیشه تکفیری و وهابیت را به چالش می‌کشد (صدر، ۱۴۲۱، صص ۱۲۴–۱۶۵). این سیره علمی سه اندیشمند در پاسخگویی، در نهایت مؤثر در وصول ایشان به اندیشه تقریب مذاهب و اهتمام عملی به اخذ مشترکات و کنار گذاشتن اختلافات در عرصه عمومی و اجتماعی برای مواجهه با دشمنان امّت اسلامی بود.

۷- توجه به مقاصد شریعت

تأکید بر فهم مقاصد شریعت (علی‌رغم اختلاف در حدود و ثغور کارکرد آن) یکی دیگر از نقاط اشتراک کلامی شهید صدر و فضل‌الله و قرضاوی بود که در فتاوا و آثار فقهی آن‌ها به وضوح دیده می‌شود. البته بایستی توجه داشت که، شهید صدر و علامه فضل‌الله هرچند بر توجه به غایات و روح قوانین اسلامی تأکید دارند و آن را باعث پویایی و روزآمدی فقه می‌دانند، ولی ایشان به اقتضای اجماع فقهای شیعه در نهی از قیاس فقهی، آن را در صورت مؤید بودن به قرآن و سنت قطعی و عقل صریح می‌پذیرند و مقاصد و غایات و فلسفه کلان از ارسال رسل و شرایع را وسیله‌ای برای فهم عمیق قرآن و سنت معرفی می‌کنند و نه منبعی مستقل در کنار آن‌ها (بخلاف قرضاوی که مقاصد را اصلی در کنار سایر منابع و اصول شریعت تلقی می‌نماید). شهید صدر در قالب فقه نظام (فقه النظریه) و به روش «طریقه الاستکشاف»، استنباط احکام از سیستم کلان هدفمند مکتب اسلام و در صورت کشف مقاصد قطعی و عقلی مانند حفظ نفس و یا عدالت قطعی و حفظ اسلام، تمسک به اصل مقاصد الشریعه را تجویز می‌کرد (صدر، ۱۴۰۸، ص ۳۰۶؛ صدر، ۱۴۱۷، ج ۲، صص ۱۸۰–۲۳۰؛ صدر، ۱۴۰۵، صص ۱۵۰–۱۷۵).

علامه فضل‌الله، عدالت و کرامت انسان و عزت امت اسلام را مقاصد عالیه دین دانسته و در فتاوای خود، مانند ضرورت وحدت امت اسلام و مسائل مربوط به حقوق زنان، ازدواج موقت، و تعاملات اجتماعی، بر ضرورت توجه به اهداف شریعت، مانند عدالت، کرامت انسانی، و حفظ مصالح عمومی، تأکید می‌نمود و معتقد بود که فقه اسلامی باید با توجه به مقاصد شریعت بازتعریف شود تا پاسخ‌گوی نیازهای معاصر باشد. به هر حال ایشان مانند قرضاوی، ضرورت وحدت را از مستنبطات فقه المقاصد می‌دانند (فضل‌الله، ۱۳۷۹، ج ۲، صص ۱۵۰–۱۵۵).

شیخ قرضاوی نیز بر ضرورت بازتعریف فقه اسلامی بر اساس اهداف شریعت، مانند حفظ دین، جان، عقل، مال، و نسل، تأکید می‌کرد. استدلال او این بود که فقه سنتی در بسیاری از موارد به دلیل تمرکز بر ظواهر متون، از نیازهای زمان عقب مانده است و باید با توجه به مقاصد شریعت بازسازی شود. برای مثال، او در فتاوای خود درباره مسائل اقتصادی، مانند بانکداری اسلامی، بر ضرورت توجه به مصالح عمومی و پرهیز از ربا تأکید کرد (قرضاوی، ۱۴۲۷، ص ۳۳). وی در کتاب فقه اولویات با رتبه‌بندی احکام و مصالح بر اساس اهمیت مقاصد شرعی (ضروریات، حاجیات و تحسینیات) و اینکه این اولویت‌ها ثمره فقه مقاصد است، بیان می‌کند که آنچه باعث حفظ اصل اسلام و مقدسات می‌شود بایستی جزء ضروریات دانسته و به تبع آن وحدت امت اسلام را از آن جمله می‌توان برشمرد (قرضاوی، ۱۴۱۶، صص ۳۰–۳۵) و تأکید می‌کند که فقاهت واقعی مستلزم عبور از جمود بر الفاظ و رسیدن به روح و اهداف کلام شارع است. او میان «مقاصد ثابت» و «وسایل متغیر» تمایز قائل شده و غفلت از مقاصد شریعت را عامل اصلی اختلال در موازنه و اعتدال دینی و وحدت امت اسلام می‌داند و این شیوه را نافی سلفی‌گری و نص‌گرایی برمی‌شمرد.

البته بایستی توجه داشت که تأکید بر فقه مقاصد نافی سلفی‌گری و تکفیر و تفکر وهابیت است، ولی در عین حال کاربست آن در استنباط همه احکام در نهایت به قیاس فقهی منهی در روایات اهل‌بیت (ع) منتهی می‌شود. این تأکید مشترک بر توجه به کلیت مقاصد شریعت توسط شهید صدر و فضل‌الله و قرضاوی، ایشان را قادر ساخت تا فتاوا و دیدگاه‌های نوآورانه‌ای ارائه دهند که نه‌تنها با اصول اسلامی سازگار بود، بلکه به حل مشکلات معاصر، مانند فقر، نابرابری، و چالش‌های فناوری، و در نهایت تقریب مذاهب و رفع اختلافات کمک می‌کرد.

نکته پایانی آنکه هرچند این سه متفکر در مواجهه با ظلم و تجاوز نظام سلطه خصوصاً صهیونیسم جنایتکار و استکبار جهانی که با ایجاد اختلاف بین مسلمین فتنه می‌انگیزند، توصیه به وحدت می‌کردند، اما این اعتقاد ایشان برخاسته از مبانی و منظومه فکری ایشان در فهم دین و روش استنباط احکام و معارف دین بود. وحدت اسلامی یکی از مهم‌ترین محورهای اشتراک کلامی شهید صدر و فضل‌الله و قرضاوی است که در آثار و فعالیت‌های عملی آن‌ها نمود بارزی دارد. علامه فضل‌الله، به عنوان یک عالم

شیعه، در برابر تنش‌های فرقه‌ای در جهان اسلام، به‌ویژه در لبنان که شاهد درگیری‌های شیعه-سنی بود، بر ضرورت تقریب مذاهب تأکید کرد. او استدلال کرد که اختلافات فقهی و کلامی میان شیعه و سنی نباید مانع همکاری در مسائل کلان امت اسلامی، مانند مبارزه با استعمار و صهیونیسم شود. فضل‌الله معتقد بود که وحدت اسلامی، علاوه بر بعد شرعی، یک ضرورت سیاسی و اجتماعی برای حفظ قدرت و کرامت امت اسلامی است (فضل‌الله، ۱۳۷۹، ج ۱، صص ۱۱۲–۱۱۵) و همچنین با تأسیس «جمعیة المبرات الخیریة» و توصیه به فعالیت‌های خیریه در مناطق مختلف لبنان، به طور عملی به تقویت همبستگی اجتماعی میان شیعه و سنی کمک کرد (عبداللهی، ۱۳۸۵، ص ۴۵).

شیخ یوسف قرضاوی نیز وحدت اسلامی را هم فریضه‌ای شرعی و هم ضرورتی راهبردی برای مقابله با تهدیدات داخلی و خارجی امت اسلامی دانست. او در کتاب «الوحدة الإسلامیة» به تحلیل ریشه‌های تفرقه در جهان اسلام پرداخت و استدلال کرد که همکاری میان شیعه و سنی برای حفظ هویت اسلامی و مقابله با دشمنان مشترک، مانند صهیونیسم و استعمار نوین، ضروری است (قرضاوی، ۱۴۲۲، صص ۶۷–۷۰). قرضاوی با تأسیس «اتحادیه جهانی علمای مسلمان» بستری برای گفت‌وگوی فکری و ترویج وحدت میان مذاهب اسلامی فراهم کرد. او همچنین در فتاوای خود، مانند رد تکفیر شیعیان توسط برخی جریان‌های سلفی، بر لزوم احترام متقابل میان مذاهب تأکید کرد (قرضاوی، ۱۴۲۲، صص ۶۷–۷۰).

۸- نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف گذار از سطوح توصیفی و خطابیِ تقریب مذاهب به سوی یک «نظام‌سازی سیستمی، عقلانی و مقاوتی»، به بررسی اندیشه‌های منظومه‌ای شهید آیت‌الله سید محمدباقر صدر، علامه محمدحسین فضل‌الله و شیخ یوسف قرضاوی پرداخت. یافته‌های پژوهش اثبات می‌کند که همگرایی و وحدت امت اسلامی، نه یک تاکتیک مقطعی و مصلحت‌اندیشانه سیاسی(که البته آن هم بایستی مطمح نظر باشد)، بلکه یک ضرورت قطعیِ عقلی، کلامی و قرآنی برای تحقق تمدن نوین اسلامی و مواجهه با چالش‌های معاصر است.

این الگوی جامع در چارچوبی دو لایه در اندیشه های سه متفکر مهم علمی و عملی در دنیای اسلام معاصر یعنی شهید آیه الله صدر و علامه فضل اللهو شیخ قرضاوی استوار گردیده است:

۱. لایه اعتقادی هستی شناختی و معرفت‌شناختی دینی _توحیدی و سنن تاریخی _ قرآنی

۲. لایه کلامی و فقهی ذیل چهار محورکلیدیِ: (۱) صیانت از حرمت اهل قبله در سایه وحدت اسلامی به عنوان فریضه شرعی و ضرورت راهبردی آن درسایه اعتدال نظری و عملی؛ (۲)عقل‌گرایی در تبیین و فهم دین و (۳)پاسخ به شبهات معاصر (نظیر سکولاریسم و پلورالیسم و تکفیر و اباحه گری)؛ و نیز (۴)توجه به مقاصد شریعت برای پویایی فقه و تأمین امنیت عدالت و کرامت انسانی در در سایه وحدت امت اسلام .

نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که هم‌افزایی این دو لایه نشان می‌دهد که عقل‌گرایی اصیل و اجتهاد سیستمی، تنها راه برون‌رفت امت اسلامی از فتنه‌های درونی (جریان‌های تکفیری) و تنها ابزار واقعی برای ایستادگی بر پایه وحدت امت اسلام در برابر تجاوزات و سلطه‌گری جبهه استکبار است . پیشنهاد می‌شود تحقیقات آینده، تاثیرات پیاده سازی این الگوی سیستمی را در دیپلماسی عمومی مقاومت مورد کاوش تخصصی قرار دهند.

منابع

قرآن کریم

حرانی، ابن‌شعبه،(۱۳۷۹)، تحف العقول عن آل الرسول، ترجمه: صادق حسن‌زاده، قم: نشر آبانه.

راغب اصفهانی، (۱۳۸۰)، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

راینهارد، شولتسه،(۱۳۹۰)، جهان اسلام در قرن بیستم، ترجمه: سهراب صادق‌نیا، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

سعیدی‌مهر، محمد، (۱۳۸۱)، آموزش کلام اسلامی، ج ۱، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)،.

شیخ مفید، محمد بن محمد، (۱۳۷۲)، أوائل المقالات .قم: کنگره جهانی شیخ مفید.

صدر، سید محمدباقر، (۱۴۰۳)، بارقه‌ها، ترجمه: سید امید مؤذنی، قم: دار الصدر.

صدر، سید محمدباقر، (۱۴۲۹)، موسوعه تراث شهید صدر، ج ۱(فلسفتنا)، قم: دار الصدر.

صدر، سید محمدباقر، (۱۴۲۹)، موسوعه تراث شهید صدر .ج ۲ (الأسس المنطقیه للاستقراء)، قم: دار الصدر.

صدر، سید محمدباقر، (۱۴۲۹)، موسوعه تراث شهید صدر، ج ۳ (اقتصادنا)، قم: دار الصدر.

صدر، سید محمدباقر، (۱۴۲۹)، موسوعه تراث شهید صدر .ج ۵ (الاسلام یقود الحیاه)، قم: دار الصدر.

صدر، سید محمدباقر، (۱۴۲۹) موسوعه تراث شهید صدر .ج ۱۶ (الفتاوی الواضحه)، قم: دار الصدر.

صدر، سید محمدباقر، (۱۴۲۹)، موسوعه تراث شهید صدر .ج ۱۹ (المدرسه القرآنیه)، قم: دار الصدر.

صدر، سید محمدباقر، المجمع العالمی للتقریب بین المذاهب الإسلامیۀ. «نقل من کلمات الشهید السید محمد باقر الصدر فی الوحدۀ الإسلامیۀ». کتابخانه تقریب، مدخل ۷۰۲۳، بخش‌های ۱۳۵ و ۱۳۷، بی‌تا.

طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۶۲)، المیزان فی تفسیر القرآن .ج ۱۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی،

طباطبایی، محمدرضا، (۱۳۹۰)، المراد من منیه المرید .قم: نشر دار العلم.

فضل‌الله، سید محمدحسین، «رسالتنا یجب ان تکون قاعده للوحده .«مجله الاضواء، سال ۵، ش ۵–۶، ۱۹۶۵.

فضل‌الله، سید محمدحسین،(۲۰۰۶)، من وحی القرآن .ج ۱ و ۲، بیروت: دار الملاک.

فضل‌الله، سید محمدحسین،(۲۰۰۸)، تأملات فی الفکر السیاسی الإسلامی .بیروت: دار الهادی.

فضل‌الله، سید محمدحسین، (۲۰۰۹)، حوارات فی الفکر و الاجتماع و السیاسه .ج ۱ و ۲، بیروت: دار الملاک.

فضل‌الله، سید محمدحسین، (۱۳۸۹)، فقیه و امت .ترجمه: هاشم عبداللهی، قم: دار الکتب الإسلامیه.

فیروزآبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب، (۱۳۷۲) ،القاموس المحیط .ج ۴، بیروت: دار الفکر.

قرضاوی، یوسف، (۲۰۰۰)، الفتاوی المعاصرۀ .ج ۱ و ۲، بیروت: دار القلم.

قرضاوی، یوسف، (۲۰۰۱)، الإیمان والحیاة، بیروت: دار الشروق.

قرضاوی، یوسف (۱۳۸۰)، بیداری اسلامی و بیم و امید آن، ترجمه: زاهد ویسی، تهران: نشر احسان.

قرضاوی، یوسف،(۲۰۰۳)، الوحدة الإسلامیة، بیروت: مکتبة وهبة.

قرضاوی، یوسف، (۲۰۰۴)، الصحوة الإسلامیة بین الجحود والتطرف، قاهره: مکتبة وهبة.

قرضاوی، یوسف،(۲۰۰۵)، الإسلام والعلمانیة وجهاً لوجه، بیروت: دار القلم.

قرضاوی، یوسف،(۲۰۰۵)، کیف نتعامل مع القرآن العظیم، قاهره: دار الشروق.

قرضاوی، یوسف،(۲۰۰۶)، دراسه فی فقه مقاصد الشریعه، بیروت: دار الشروق.

قرضاوی، یوسف، (۲۰۰۶)، الاسلامی بین الاصاله و التجدید، قاهره: مکتبه وهبه.

قرضاوی، یوسف، (۲۰۰۸)، فقه الاولویات .قاهره: دار الشروق

قرضاوی، یوسف(۲۰۰۹)، فقه الجهاد .ج ۱، بیروت: دار الشروق.

قرضاوی، یوسف،(۱۳۹۲)، مبادی فی الحوار و التقریب بین المذاهب الاسلامیه .ترجمه: سید هادی خسروشاهی، پایگاه تحلیلی انتخاب،

لاپیدوس، آیرا ماروین، (۱۳۸۷)، تاریخ جوامع اسلامی، ترجمه: محسن مدیر شانه‌چی، تهران: انتشارات امیرکبیر.

Taghavi, Seyyed Mohammad Ali, et al., "Yusuf al-Qaradawi's Neo-Salafi Approach to Politics." *Quarterly Journal of Islamic Revolution Studies*, Vol. 15, No. 58, 2018, pp. 35–39.